

مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) حکیمیه تهران گفت: اگر طاعت برای غیر خدا باشد، خدعه و نیرنگ می‌شود؛ راه نجات این است که انسان به خدا متصل شود.

به گزارش خبرگزاری فارس، جلسه اخیر اخلاق آیت‌الله روح‌الله قرهی با موضوع «#171 ریا؛ بلای عظیم و عامل بسته شدن راه نجات» در مهدیه القائم المنتظر (عج) شهرک حکیمیه برگزار شد که مشروح آن در پی می‌آید:

پروردگار عالم به یک عده توفیق داده است تا بنده خالص خودش بشوند. او در این بندگی، آن‌ها را هم در ضیافت الله اعتکاف، مهمان می‌کند. این بندگان خاص خدا، راه نجات را طی کردند. راه نجات این است که انسان فقط برای خدا کار کند. اگر این حال برای انسان به وجود آمد، برنده است.

وجود مقدّس ختمی مرتبت، حضرت محمد مصطفیٰ (صلی الله علیه وآله وسلم) در جواب سؤال کسی که از حضرت پرسید: «&#171;حین سألہ رجل یا رسول اللہ فیم النجاة»، انسان به چه چیز متمسک شود تا نجات پیدا کند؟ نجات در چیست؟ فرمودند: «&#171;فقال أن لا یعمل العبد بطاعة اللہ یرید بها الناس»، این که بنده عمل را فقط برای طاعت خدا انجام دهد و مردم را در این طاعت اراده نکند - در این مطلب باید تأمل کرد -

عجیب است، اگر طاعت برای غیر خدا باشد، خدعه و نیرنگ می‌شود. این نکته بسیار مهمی است، وجود مقدس باقرالعلوم، امام محمد باقر(صلوات الله وسلامه علیه) می‌فرمایند: شخصی محضر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد، سؤال کرد که فردای قیامت نجات در چیست؟ همه دنبال این هستند که عاقبت به خبر شوند، راه نجات چیست؟

پیغمبر، حبیب خدا، محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) نکتہ ای بسیار عجیب را بیان می‌کنند! &#171؛ اَنْ رَّسُولَ اللّٰهِ صَ سَيَّلَ فِيمَا التَّجَاةَ عَدًا فَقَالَ إِنَّمَا التَّجَاةُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعُوا اللَّهَ فَيُخَادِعَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ يُخَادِعِ اللَّهَ يَخْدَعُهُ وَ يَخْلَعُ مِنْهُ الْإِيمَانُ وَ تَقْسَهُ يَخْدَعُ لَوْ يَشْعُرُ»، سؤال شد: یا رسول الله! راه نجات چیست؟

حضرت فرمودند: این که به پروردگار عالم خدعه نکنید، راه نجات فقط این است که انسان با پروردگار عالم از در نیرنگ وارد نشود.

بعد حضرت فرمودند: اگر شما با خدعه وارد شوید، &#171؛فِيْخَدَعَكُمُ»، خدا هم با خدعه وارد می‌شود!

انسان با خدا از باب خدعه وارد نشود که خدا هم خدعه می‌کند. خدعه خدا عجیب است! انسان بیچاره می‌شود! پروردگار عالم نسبت به کفار همین را بیان می‌فرماید، می‌فرماید: ﴿فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤُودًا﴾، به این‌ها مهلت می‌دهد اما بیچاره می‌کند! اجازه می‌دهد مدام در طغیان خودشان، در گناه خودشان، بیشتر و بیشتر غوطه‌ور شوند. یک خدعه خدا این است.

حضرت می‌فرمایند: راه نجات این است که با خدا خدعه نکنی، چون خدا با تو خدعه می‌کند. بعد می‌فرمایند: &#171;فَإِنَّهُ مَنْ يُخَادِعِ اللَّهَ يَخْدَعُهُ وَيَخْلَعْ مِنْهُ الْإِيمَانُ» هر کس بخواهد به خدا خدعه بزند، خدا با همان باب بر او وارد می‌شود و ایمان را هم از او می‌گیرد - ایمان خیلی مهم است، ایمان، انسان را اوج می‌دهد و بالا می‌برد، اما می‌فرمایند: ایمان او را می‌گیرد - بعد حضرت نکته خیلی زیبایی را بیان می‌فرمایند، می‌فرمایند: آن کسی که فکر می‌کند خدا را خدعه می‌دهد، اشتباه کرده، اگر یک مقدار می‌فهمید و درک می‌کرد، می‌دانست به خدا خدعه نزده، بلکه به خودش خدعه زده! &#171;وَنَفْسُهُ يَخْدَعُ لَوْ يَشْعُرُ».

شخص سؤال کننده تعجب کرد، یعنی چه؟! مگر بناست کسی به خدا خدعه بزند که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرمایند: راه نجات در این است که به پرودگار عالم خدعه نزنیم!&#171; قیلَ لَهُ فُكِنَ یُحَادِثُ اللّٰهَ» گفت: یا رسول الله! خدعه به خدا چگونه

ببینید حضرت خدعه را چه می‌فرمایند، عجیب است! حضرت فرمودند: &#171;يَعْمَلُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ ثُمَّ يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ»، به آن چیزی که خدا امر کرده، عمل می‌کند و امر دیگری را انجام نمی‌دهد ولی - مهم این است - در این عملش کس دیگر، غیر از خدا را اراده می‌کند &#171;ثُمَّ يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ».

فرمان، فرمان خداست؛ عمل، عملی است که پروردگار عالم گفته، آن عمل را انجام می‌دهد، اما اراده‌اش غیر از خداست! بیچارگی این‌جاست!

می‌فرمایند: این است که به خدا خدعه می‌کند در حالی که پروردگار عالم هم به باب خدعه وارد می‌شود. بعد فرمودند: اتفاقاً آن که به خدا خدعه می‌کند، نفهمیده به نفس خودش خدعه می‌کند و اولین مسئله‌اش هم این می‌شود که ایمانش را از دست می‌دهد.

پس ریا بلای عظیم است که دیگر راه نجات بسته می‌شود. لذا انسان باید خیلی در این مسئله دقت کند که اگر این‌گونه شد، بیچاره می‌شود.

وسوسه ریا در عبادت!

منتها این را هم باید انسان مدّ نظر داشته باشد که گاهی شیطان ملعون وسوسه می‌کند. پیامبر اکرم، خاتم رسل، محمّد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرمایند: گاهی شیطان ملعون در عبادت می‌آید، وسوسه می‌کند و بر عکس عمل می‌کند. مثلاً انسان یک نماز با توجه می‌خواند، به او می‌گوید: ببین عزیزم! تو داری ریا می‌کنی.

عرض کردیم: ریا یعنی آن چیزی که برای غیر خدا باشد. درست است لفظ ریا از رؤیت است، اما اگر برای خداست، عالم و آدم ببینند برای انسان مهم نیست. اگر هیچ کسی هم متوجه نشود، برایش مهم نیست. در باب ریا انسان باید این را مدّ نظر بگیرد، ببیند جدی دارد برای خدا انجام می‌دهد یا خیر. اگر برای خداست، همه عالم بفهمند، مهم نیست، هیچ تغییری هم نمی‌کند، همانی است که بود و به تعبیری اگر اقبال عمومی هم به او شد، همان است که هست.

مثل آیت‌الله العظمی بهجت، آن بهجت القلوب و دیگر اعظم بزرگوار، آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی، امام راحل (اعلی الله مقامهم اجمعین) و بزرگان دیگر که این حالت را داشتند و دارند. اگر مثل آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی (اعلی الله مقامه الشریف) برای یک نفر هم درس داد، برایش مهم نبود. اگر میلیون‌ها نفر هم بودند، فرقی نمی‌کرد. چون کسی که برای خداست، دیگر برای او مهم نیست، عالم رو بیاورند، تغییر پیدا نمی‌کند، عالم به سمت او نیایند، تغییر پیدا نمی‌کند.

برای همین شیطان وسوسه می‌کند - این روایت شریف را تأمل بفرمایید، زیباست - حضرت می‌فرمایند: &#171;إِذَا أَتَى الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ»، شیطان به سمت شما می‌آید در حالی که یک نفرتان در نماز هست، &#171;فَقَالَ إِنَّكَ مُرَاءٍ»، می‌گوید: مواظب باش تو داری ریا می‌کنی.

من این مثال را زدم، اگر کسی توفیق دارد، مثلاً اهل نماز شب است، لطف خداست، توفیق است - بندگان خدا می‌دانند این‌ها همه من ناحیه الله است، لذا به نماز شبشان غره نمی‌روند، می‌دانند لطف خداست، عنایت ذوالجلال و الاکرام است و وقتی دیدند لطف خدا و عنایت حضرت است، تشکر می‌کنند و بیشتر به عبادت می‌پردازند - همیشه مشغول به نماز شب است، مسافرتی برای او پیش می‌آید، یک موقعی با کسی در سفر هست، شب می‌خواهد برای نماز شب بلند شود، شیطان ملعون می‌آید، می‌گوید: امشب را نمی‌خواهد، چون اگر بلند شوی نماز شب بخوانی، این رفیقت، این که امروز در خانه‌اش دعوت هستی، فکر می‌کند تو داری ریا می‌کنی، امشب را بگذر، بالاخره بلند می‌شوی، شاید پایت به جایی بخورد، سر و صدایی ایجاد کند، کسی متوجه شود، بعد می‌گویند تو داری خودنمایی می‌کنی!

شیطان این‌طور می‌آید، در باب ریا وسوسه می‌کند، &#171;السوسة فی الریاء من ناحیه الشیطان». اصلاً اصل وسوسه برای شیطان است. خانم‌ها یا آقایانی که وسواس دارند، وسواس از ناحیه شیطان است. یک وسوسه هم در باب عبادت است. به تو اجازه نمی‌دهد عبادت کنی، می‌گوید: ریاست! شب می‌خواهی قیام کنی، می‌خواهی نیمه شب جلسه داشته باشی، دیگران تو را می‌بینند، می‌گویند: این‌ها را باش، چه دکان و بازاری راه انداختند، چه اهل ریا هستند!

ملاک، خودتی عزیز دلم! اگر جدی برای خداست، هر که هر چه بگوید، بگوید. اگر به به بگویند، انسان الهی تکان نمی‌خورد، اگر برعکس شماتت کنند، بگویند: او می‌خواهد ریاکاری کند، برایش مهم نیست. آن که برای خداست، خصوصیتش این می‌شود. این روایت

می‌خواهد این را بیان کند.

پیامبر عظیم‌الشأن (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: موقعی که به عبادت مشغول می‌شوی، نمازی می‌خوانی &#171;وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ«، شیطان می‌آید، می‌گوید: &#171;إِنَّكَ مُرَاءٍ«، ببین تو داری ریا می‌کنی!

اصلاً &#171;الْوَسْوَاسُ الْخِتَاسُ« همین است عزیز دلم! برای هر کس به طریق خودش می‌آید. آن جوانی را که خدای ناکرده نعوذ بالله، نستجیر بالله، پناه به ذات حضرت حق، هرزه است، از طریق گناه وسوسه می‌کند. آن را که اهل عبادت است، از طریق عبادت وسوسه می‌کند. یک موقع یک کاری می‌کند ریا کند، یک موقعی هم اهل ریا نیست، یک کاری می‌کند که عبادت نکند، با عنوان ریا! به سراغ او می‌آید و می‌گوید: تو ریا می‌کنی.

می‌فرماید: تا جایی که حتی می‌تواند نمازش را طولانی کند، وقت دارد، به شرط این که از وقت فریضه نماز یا هر عمل دیگری که برای امر آخرتش باشد دور نشود، &#171;فَلْيُطِلْ صَلَاتَهُ مَا بَدَا لَهُ مَا لَمْ يَقْتَهُ وَقْتُ الْقَرِيبَةِ وَإِنْ كَانَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ« ولی دیگر آن را رها می‌کند - دقت بفرمایید، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چه می‌فرماید -

&#171;فَلْيَتَمَكَّثْ مَا بَدَا لَهُ وَإِنْ كَانَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَلْيُتْرَحْ«، حضرت می‌فرماید: می‌تواند یک عملی را، چه عمل اخروی، چه عملی که برای دنیاست و او را به آخرت می‌رساند، انجام دهد، ولی شیطان ملعون اجازه نمی‌دهد و وسوسه ریا را درون او می‌آورد.

پس انسان مؤمن نه اهل ریاست و نه اجازه می‌دهد شیطان ملعون او را وسوسه ریا کند.

لذا حضرت می‌فرماید: کارت را برعکس کن. اگر مشغول به کاری برای آخرت هستی، آن را طولانی کن، یک تودهنی محکم به شیطان بزن. بگو: می‌خواهی از طریق وسوسه، من را از عبادت دور کنی؟! غلط کردی! اجازه نمی‌دهم. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: به شرط این که وضعش را به هم نزنند، طولانی‌اش کند. عبادتی که مشغول هست را با تصرع، خضوع و ناله بیشتر انجام دهد؛ چون شیطان ملعون با وسوسه جلوی او آمد.

ریا یا وسوسه ریا؟

از وجود نازنین آن مرد الهی، آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی (اعلی الله مقامه الشریف) سؤال کردند: جدی چه کنیم بفهمیم که کدام ریاست و کدام وسوسه شیطان است؟

ایشان جمله زیبایی فرمودند. این جمله راه‌گشاست. فرمودند: اگر کسی نیت کند که خدا! می‌خواهم خودم را به تو بسپارم، من خودم نمی‌توانم، کاری از من بر نمی‌آید، پروردگار عالم هم محافظ او می‌شود.

&#171;أَفُؤْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ«، به خدا تفویض امر کند، &#171;إِنَّ اللَّهَ بِصَيْرٍ بِالْعِبَادِ«، وقتی پروردگار عالم می‌بیند بنده‌اش مضطر شده و می‌گوید: خدا! من می‌خواهم عبادتم برای تو باشد ولی نمی‌دانم کجایش ریاست و کجایش وسوسه شیطان است که به من دارد می‌گوید ریاست، من ماندم، او را رها نمی‌کند.

می‌فرماید: توکل به خدا کن، تفویض امر به خدا کن، بگو: خدا! می‌خواهم جدی بنده صالح تو باشم. مگر می‌شود کسی از پروردگار عالم بخواهد که می‌خواهم بنده تو باشم و حضرت حق او را رها کند؟! هیئات! منتها جدی و از عمق وجود بخواهد که حتماً پروردگار عالم او را کنترل کند. آن وقت ببین چه حالی پیش می‌آید.

پس شیطان ملعون یک مواقعی وسوسه می‌کند که این کار تو ریاست. اگر ما این را متوجه شویم و دقت کنیم، تمام است.